

■ **آقای دکتر کریستو فور تی! در ابتدا و برای ورود به بحث، از فضای خانوادگی‌تان بگوئید. اینکه چه روز و چه سالی و در چه شهری به دنیا آمدید؟**

من در روز ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ میلادی، در شهر راورتو (Rovereto) در ایالت ترنتو (Trento)، یکی از شهرهای شمال ایتالیا متولد شدم و در همان شهر تحصیل کردم و بزرگ شدم. خانواده سادهای داشتم. پدرم بنگاه دار بود و مادرم زنی بسیار فعال و علاقه‌مند به دانش و مطالعه بود و خیلی به من کمک کرد وارد عرصه تحقیق شوم. دوره دبیرستان خود را در شهر راورتو به پایان رساندم و سپس در شهر ونیز بود که در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شدم. بعد دکترای خود را در شهر نابل در زمینه ایران شناسی زیر نظر یکی از ایران شناسان بزرگ ایتالیا به نام جرادو گنولی (Gherardo Genoli) که چند سال پیش از دنیا رفت، گرفتم.

■ **چرا در دانشگاه رشته زبان و ادبیات فارسی را برای تحصیل انتخاب کردید؟**

نخستین چیزی که من از ایران به خاطر دارم این است که در زمان نوجوانی من، که ۱۰ یا ۱۱ سال داشتم، روزی برنامه‌ای از تلویزیون یخشی می‌شد که تظاهرات انقلاب ایران را نشان می‌داد. این تصاویر مرا به فکر فرو برد و سبب شد من به نقاط دیگری در دنیا پی ببرم و ببینیشم. تا پیش از آن من هیچ گونه آشنایی با ایران نداشتم اما پس از آن روز شروع به مطالعه درباره ایران یا تلاش برای پیدا کردن آن روی نقشه کردم. این اتفاق به صورت لایه پنهانی در ذهن من ماند تا زمان انتخاب رشته برای دانشگاه.

■ **منظور شما این است که کنجکاوی شما درباره ایران بود که باعث شد این رشته را برای تحصیل انتخاب کنید؟**

مستقیماً این‌طور نبود، من در ابتدا هم زبان عربی را یاد گرفتم و سپس دو زبان عربی و فارسی را به طور هم‌زمان خواندم.

■ **از سال‌های دبیرستان؟**

در سال‌های دبیرستان شخصاً و بدون هیچ کمکی دستور زبان عربی را خواندم.

■ **در شهر شما مکانی بود که کتاب‌هایی را در این رابطه تهیه کنید؟**

یک کتابفروشی بود که از روی فهرستی که در اختیارش می‌گذاشتم کتاب‌های مورد نیاز مرا تهیه می‌کرد.

■ **شما از کجا درباره کتاب‌هایی که باید در این رابطه مطالعه می‌کردید اطلاعات کسب می‌کردید؟**

با پرسیدن از اسلام شناسان بزرگی که در ایتالیا بودند این اطلاعات را به دست می‌آوردم. در کل نیز ایسن کار در ایتالیا، کار دشواری نیست.

■ **از ونیز، شهری که مدرک لیسانس خود را در آن گرفتید بر ایمان بگوئید.**

ونیز شهر بسیار زیبایی است که داخل دریا قرار دارد و در شمال شرقی ایتالیا است.

■ **در ونیز زبان و ادبیات فارسی قسمتی از دپارتمان ایران‌شناسی بود؟**

در زمان تحصیل، زیبولی روی تحقیقی با موضوع واژگان کلیدی در شعر فارسی کار می‌کرد و برای این کار نزدیک به هزار بیت از هر یک از دیوان‌های شاعران بزرگی چون حافظ و سعدی و مولانا و خیاطی و… را استخراج کرده بود. ما نیز در این طرح با او همکاری داشتیم و این کار برای ما بسیار مفید بود و من به همین وسیله روش تحقیق را یاد گرفتم و منابع زیادی را مطالعه کردم.

■ **نثر نثر را هم مطالعه می‌کردید؟**

بسیار کم. امروزه دانشجویان در ونیز این متون را مطالعه می‌کنند اما من مطالعه کمی در این زمینه داشتم.

■ **تعداد دانشجویان این رشته در حال حاضر در ونیز چند نفر است؟**

حدوداً ۲۵ نفر.

■ **یعنی ۵ برابر زمان شما شده است.**

بله.

■ **این مساله را ناشی از علاقه بیشتر دانشجویان به زبان فارسی می‌دانید یا معتقدید این افزایش فقط کمی است؟**

امروزه در ایتالیا ازدواج‌هایی از دو ملیت مختلف و به تبع آن به وجود آمدن فرزندان به اصطلاح دور که یا دو ملیتی زیاد شده است، بنابراین بسیاری از دانشجویان تمایل دارند تا با فرهنگ اصیل پدر یا مادر خود آشنا شوند.

■ **بین این دانشجویان فردی هست که پدر یا مادر ایرانی داشته باشد؟**

بله اتفاقا یکی از افتخارات من کار کردن با دانشجویی اینچنین بوده که الان در مقطع دکتر را اگسفورد درس می‌خواند. نام او مازیار غیایی است؛ کاملاً ایرانی است و در ایران متولد شده است. بعد از جدایی پدر و مادرش، مادرش با مردی ایتالیایی ازدواج کرد و به ایتالیا آمدند و مازیار در ایتالیا بزرگ شد. جای افتخار است که من به او نوشتن و خواندن زبان فارسی را یاد دادم.

■ **امروز بین دانشجویان ایتالیایی، تمایل به یادگیری زبان فارسی بیشتر است یا زبان‌های دیگر مثل ترکی و عربی و عبری؟**

در دپارتمان ما زبان‌های مختلفی تدریس می‌شود. بیشترین علاقه به ترتیب به زبان چینی، ژاپنی، عربی، ترکی، هندی، عبری، فارسی و ارمنی است.
■ **چرا زبان فارسی در این بین جزو آخرین هاست. با اینکه مثلا عضو و زبان چینی بسیار دشوار است، شما آسیب کار را در چه می‌بینید؟**

من فکر می‌کنم این قضیه متأثر از قدرت اقتصادی است. در ایتالیا حتی دبیرستان‌هایی داریم که زبان چینی تدریس می‌کنند. زبان عربی هم به علت نزدیکی ایتالیا به کشورهای عربی و وجود عرب‌ها در ایتالیا طرفدارانی دارد.

■ **شما برای تحصیل در مقطع دکتر با دانشگاه نابل رفتید. عنوان پایان نامه دکترای شما چه بود؟**

ایران شناسی.

■ **در چه موضوعی؟**

من به مدت ۳ سال پژوهشی در رابطه با جشن سده انجام دادم. در آن زمان اطلاعات در این باره بسیار کم بود و به غیر از مجموعه‌ای به زبان عربی که سال ۱۹۴۹ میلادی در ایران انجام شده بود چیزی نبود و تاریخ این جشن در دسترس نبود. کتابی هم چاپ کردم که به عنوان کتاب برتر ایتالیا در سال ۲۰۰۰ برگزیده شد نام کتاب هم میلاد نور بود (جشن سده از بغداد تا بخارا در قرون وسطی).

■ **چه سالی از پایان نامه دکترای خود دفاع کردید؟**

سال ۱۹۹۸.



دکتر سید حسن

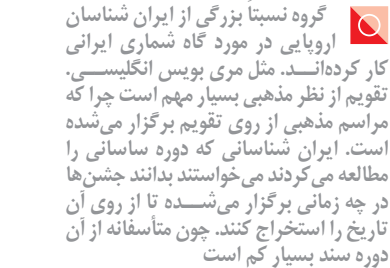
گفت‌و‌گو با «سیمون کریستوفورتی»؛ استاد تاریخ ایران

در دانشگاه فوسکاری ونیز در ایتالیا

پهنای فرهنگی آیین‌های ایرانی از بغداد تا بخارا

▲ **حمیدرضا محمدی**

سشن در قیاس با دیگر ایران شناسان جهان و حتی کشور خودش ایتالیا، به نسبت کم است. اما او در ۴۸ سالگی، آنگاه که از فرهنگ ایران و زبان فارسی سخن می‌گوید، مطالعات عمیقش در این حوزه بر هر متخصص عیان و عمق دانش او در این حوزه آشکار می‌شود. کسی که از نوجوانی – بر خلاف همسن و سالان دیگرش – سر در کتاب، آن هم نه شعر و رمان، بلکه آثار مرتبط با زبان فارسی و عربی داشته است. «سیمون کریستوفورتی» (Simone Cristoforetti) که اکنون در گروه مطالعات آسیا و شمال آفریقا در دانشگاه کا-فوسکاری ونیز در ایتالیا (Università Ca' Foscari Venezia) در حوزه تاریخ ایران تدریس و تحقیق می‌کند، یکی از



گروه نسبتاً بزرگی از ایران شناسان اروپایی در مورد گاه شماری ایرانی کار کرده‌اند. مثل مری بویس انگلیسی. تقویم از نظر مذهبی بسیار مهم است چرا که مراسم مذهبی از روی تقویم برگزار می‌شده است. ایران شناسانی که دوره ساسانی را مطالعه می‌کردند می‌خواستند بدانند جشن‌ها هر چه زمانی برگزار می‌شده تا از روی آن تاریخ را استخراج کنند. چون متأسفانه از آن دوره سند بسیار کم است

بین ماه هشتم و نهم سال، حساب می‌شده اما تا قبل از آن اطلاعاتی در دست نیست که این ۵ روز چه می‌شده است.

■ **یعنی ما اطلاعاتی از دوره ساسانیان نداریم؟**

نه، چون این مساله بسیار بزرگ و پیچیده و در واقع بزرگترین مساله گاهشماری است. اینکه کیبسه بود یا نبود و اگر بود چه طور کار می‌کرد. بعضی معتقدند در دوره‌ای ۱۲۰ ساله بوده، بعضی معتقدند باید ۱۱۶ سال بوده باشد و حتی بعضی ۱۲۵ سال را قبول دارند. اما ما می‌توانیم به قطع بگوییم در هنگام ورود اسلام به ایران پس دو ماه آبان و آذر قرار داشته است.

■ **پس ما بر حسب صحبت شما نمی‌دانیم در دوره هخامنشی در تخت جمشید، نوروز بر چه روال و منوالی برگزار می‌شده است.**

دقیقا نمی‌دانیم و تنها می‌توانیم حدس بزنیم.

■ **از روی کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌ها نمی‌توانیم چیزی دریابیم؟ آیا معتقدید که اگر در بابیم همه حدس و گمان است و قطعی نیست؟**

بر اساس آنها به نوع دیگری از گاهشماری می‌رسیم. در دوره اول هخامنشی تقویم قمری و شمسی بود که تحت تأثیر تمدن بابلی بود و بعد با تقویم‌های مقدونی و یونانی تلفیق شد که اساسش همان تقویم قمری شمسی بود. گاهشماری زرتشتی در دوره ساسانی رواج داشته است اما ممکن است در دوره داریوش هخامنشی هم بوده باشد.

■ **در بین متون مورد مطالعه تان، آیا از «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی هم استفاده کرده‌اید؟**

بله و البته همه متون عربی. آخرین پژوهشی که من در دانشگاه ونیز با کمک دکترماسیمیلیانو بوزونی انجام دادم پژوهشی است درباره نوروز در متون عربی در دوره عباسی. ما سعی بر تهیه فهرستی داشتیم که به وسیله آن پژوهشگران ایران‌شناس بتوانند تمام متون عربی را که در آنها حتی یک لغت درباره نوروز آمده شناسایی کنند.

■ **آیا شما در هنگام مطالعات خود به تأثیر نوروز در متون نظم و نثر فارسی هم برخورد‌اید؟**

هنوز نه، چرا که آن زمینه بسیار وسیع است.

■ **آیا علاقه برای تحقیق در این زمینه دارید؟**

فعلا شروع نکرده‌ام چون درگیر مرحله اول کار فعلی هستم و مرحله دوم که نتیجه‌گیری است هنوز باقی مانده است.

■ **چرا کتاب سید حسن تقی‌زاده درباره گاهشماری تا این حد مهم است و دلیل اهمیت آن چیست؟**

او و همکارانی که در گروهش کار می‌کردند تمامی مسائل در این زمینه را بخوبی فهمیده بودند. تقی‌زاده از تأثیر تمدن مصری بر

معدود تقویم شناسان اروپایی است که درباره گاهشماری ایرانی تحقیق کرده است و حتی «گاهشماری در ایران قدیم» سید حسن تقی‌زاده را هم به ایتالیایی ترجمه کرده است. اقدامی که ایرج افشار؛ ایران شناس نامی در آخرین سلسله «تازه‌ها و پاره های ایرانشناسی» خود در مجله بخارا که یک ماه پس از مرگش منتشر شد، از آن قدردانی کرد.حالا پس از بررسی نوروز و جشن سده در فرهنگ ایرانی، او به سراغ بازتاب نوروز در ادب عربی رفته و نتیجه کارش، قرار است همین روزها در ایتالیا منتشر شود. او پاییز امسال، ۱۰ روزی را در ایران سپری کرد و گفت‌وگویی که می‌خوانید، در جریان همین سفر صورت گرفت.

دانشمندان ایرانی آگاه بود کسی که این کتاب را بخواند اطلاعات خوبی درباره تمام گاهشماری‌های ایرانی می‌تواند پیدا کند. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۱۷ بود و چاپ دوم آن توسط ایرج افشار صورت گرفت. یکی از اشکالات این کتاب یادداشت‌هایی است که تقی‌زاده در حاشیه کتاب نوشته و چاپ دوم به همراه این یادداشت‌ها بیرون آمده که این مساله به نظر من خواندنش را دشوار می‌کند. در ترجمه ایتالیایی کار، من تمامی این حاشیه‌ها را در متن گنجاندم.

■ **پس جالب است بدانید ایشان، در شماره ۸۰ مجله بخارا (فروردین – اردیبهشت ۱۳۹۰) از کتاب شما تعریف کرده بود که البته این یادداشت، یک ماه پس از مرگ او منتشر شد. بجز تقی‌زاده، فرد دیگری به نام احمد بیرشک نیز در زمینه گاهشماری کار کرده است. آیا ایشان را می‌شناسید؟**

بله مقاله‌ای از ایشان درباره تقویم‌های محلی خواندم.

■ **بین ایران شناسان و تقویم شناسان جز شما آیا کسی هست که روی تقویم ایرانی کار کرده باشد؟**

بله، چون این مساله بسیار بزرگ و پیچیده و در واقع بزرگترین مساله گاهشماری است. اینکه کیبسه بود یا نبود و اگر بود چه طور کار می‌کرد. بعضی معتقدند در دوره‌ای ۱۲۰ ساله بوده، بعضی معتقدند باید ۱۱۶ سال بوده باشد و حتی بعضی ۱۲۵ سال را قبول دارند. اما ما می‌توانیم به قطع بگوییم در هنگام ورود اسلام به ایران پس دو ماه آبان و آذر قرار داشته است.

■ **پس ما بر حسب صحبت شما نمی‌دانیم در دوره هخامنشی در تخت جمشید، نوروز بر چه روال و منوالی برگزار می‌شده است.**

دقیقا نمی‌دانیم و تنها می‌توانیم حدس بزنیم.

■ **از روی کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌ها نمی‌توانیم چیزی دریابیم؟ آیا معتقدید که اگر در بابیم همه حدس و گمان است و قطعی نیست؟**

بر اساس آنها به نوع دیگری از گاهشماری می‌رسیم. در دوره اول هخامنشی تقویم قمری و شمسی بود که تحت تأثیر تمدن بابلی بود و بعد با تقویم‌های مقدونی و یونانی تلفیق شد که اساسش همان تقویم قمری شمسی بود. گاهشماری زرتشتی در دوره ساسانی رواج داشته است اما ممکن است در دوره داریوش هخامنشی هم بوده باشد.

■ **در بین متون مورد مطالعه تان، آیا از «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی هم استفاده کرده‌اید؟**

بله و البته همه متون عربی. آخرین پژوهشی که من در دانشگاه ونیز با کمک دکترماسیمیلیانو بوزونی انجام دادم پژوهشی است درباره نوروز در متون عربی در دوره عباسی. ما سعی بر تهیه فهرستی داشتیم که به وسیله آن پژوهشگران ایران‌شناس بتوانند تمام متون عربی را که در آنها حتی یک لغت درباره نوروز آمده شناسایی کنند.

■ **آیا شما در هنگام مطالعات خود به تأثیر نوروز در متون نظم و نثر فارسی هم برخورد‌اید؟**

هنوز نه، چرا که آن زمینه بسیار وسیع است.

■ **آیا علاقه برای تحقیق در این زمینه دارید؟**

فعلا شروع نکرده‌ام چون درگیر مرحله اول کار فعلی هستم و مرحله دوم که نتیجه‌گیری است هنوز باقی مانده است.

■ **چرا کتاب سید حسن تقی‌زاده درباره گاهشماری تا این حد مهم است و دلیل اهمیت آن چیست؟**

او و همکارانی که در گروهش کار می‌کردند تمامی مسائل در این زمینه را بخوبی فهمیده بودند. تقی‌زاده از تأثیر تمدن مصری بر